

چنان‌که تو گوئی کردار آنان گفتاری است مجسم و گفتار آنان رفتاری یا روانی است که اندک‌اندک رخ می‌نماید، گفتار گوهر بارشان گاهی تسلیت درمانده بود، و گاهی دلداری به افسرده می‌داد، و روح تازه می‌دمید. در راه حقیقت شجاعت و فداکاری می‌آموخت. در رساندن پیغام فضیلت از عهده مجسم کردن فضائل کاملاً بر می‌آمد، می‌نمود که در تبلیغ پیام‌های پروردگار بیم و هراس از احدی ندارند، در پند و اندرز برای دشمن نیز به‌سان دوست غمخواری می‌کردند. و سخنوری آنست که در دیگران حس اعتماد و حس اعتقاد بیافریند و امور جوهری در ذوات و نفوس بیافریند با آن که آواز خود، صدا یعنی توج هوائی بیش نیست.

"و گمان نکن کسانی که در راه خدا کشته شده‌اند مرده‌اند بلکه زنده‌اند و در پیشگاه پروردگارشان روزی دارند." "۳:۱۶۸"

تابستان ۱۴۰۱

جلال سخنور



تجلی دیوان حافظ بر اشعار لورکا  
سودابه باشی زاده<sup>۱</sup>

چکیده

موضوع مقاله حاضر تأثیر حافظ بر فدریکو گارسیا لورکا یکی از بزرگترین شعرای اسپانیایی است. این پژوهش ابتدا در گذر مختصری از معرفی این دو شاعر، خواننده را با چارچوب فکری و سبک ادبی لورکا آشنا می‌سازد و چگونگی آشنایی او را با حافظ از طریق ترجمه‌هایی از دیوان که در اسپانیا منتشر شده است، نشان می‌دهد. در بخش دیگری از مقاله برای اثبات تأثیر حافظ بر لورکا گفته‌هایی از خود شاعر و دوستان نزدیک او نقل می‌شوند؛ و در آخر با تطبیق نمونه‌هایی از اشعار این دو شاعر میزان تأثیر لورکا از حافظ مورد ارزیابی قرار می‌گیرد. تأثیرپذیری لورکا از حافظ نه تنها از طریق کاربرد مضامین، آرایه‌های ادبی و مهارت در بازی‌های فوق‌العاده ظریف و گاه ناپیدای با کلمات می‌باشد، بلکه همچنین این تأثیر در چارچوب فکری او نیز به چشم می‌خورد. بررسی این مقاله نشان می‌دهد این شاعر اسپانیایی برای خلق برخی از آثار خود به‌خصوص «دیوان تاماریت» از حافظ الهام گرفته، از عناصر «دیوان حافظ» بهره جسته و به تقلید از او اشعار این کتاب را در قالب غزل و قصیده سروده و عنوان کتابش را دیوان نام نهاده است.

واژگان کلیدی: حافظ، گارسیا لورکا، دیوان حافظ، دیوان تاماریت، تأثیرپذیری

## ۱. مقدمه

تبادل فرهنگی بین دو کشور ایران و اسپانیا تفکرات هنرمندان این دو خطه را گسترش داده است تا بتوانند ایده‌های جدیدی را برای خلق هنرهای خود بدست آورند. ارتباطات میان این دو سرزمین در طول ادوار مختلف تاریخی، به صورت مستقیم و غیرمستقیم آن‌چنان قوی و مستحکم است که تا به امروز آثار آن در هر دو کشور دیده می‌شود. دو ملت ایران و اسپانیا اگرچه از نظر جغرافیایی دور از یکدیگرند، اما به لحاظ خلق و خوی و ویژگی‌های فرهنگی چنان به هم نزدیک‌اند که نمی‌توان جداگانه به بررسی تاریخی هر یک از آنان پرداخت (اسماعیل پور ۴۴). برخی از نویسندگان و شاعران ایرانی به دلیل گرایش بسیاری از شعرای کلاسیک فارسی به سلوک عرفانی و همچنین به علت غنای ادبیات فارسی در سراسر جهان به شدت شناخته شده هستند.

ترجمه اشعار حافظ در دوران رومانتیسم با استقبال مواجه شد. از طریق ترجمه‌ها و چهره‌های سرشناس جهانی چون گوته، نیچه و امرسون این شاعر به جهان معرفی گردید. اگرچه حافظ بازتاب دغدغه‌های فرهنگی و فکری روزگار خودش را سروده، ولی به گونه‌ای ماهرانه و زیرکانه و یا به تعبیر خودش آن‌چنان «رندانه» سروده است که به زمان خاصی محدود نمی‌شود. به مانند بسیاری از کشورها، اسپانیا نیز از طریق ترجمه‌های دیوان از وجود حافظ بی‌نصیب نمانده است.

در اسپانیا بسیاری از علاقه‌مندان به شعر و ادبیات شرقی، برداشت‌ها و نظرات خود را درباره حافظ و دیوان وی بیان داشته و حتی برخی از اشعار او را نیز ترجمه کرده‌اند. به طور کلی در بسیاری از مقالات و کتاب‌هایی که درباره شعر شرقی نوشته شده است، به ویژه آن‌هایی که به شعر عرفانی یا صوفیانه اشاره دارند، نام حافظ دیده می‌شود. به نظر می‌رسد برای اسپانیایی‌ها حافظ شاعری است که مضمون بیشتر اشعارش عشق، گل رز، شراب و ناپایداری شادی و زیبایی‌های زندگی است.

هدف اصلی این مقاله پاسخ به پرسش‌هایی است که تأثیر حافظ بر لورکا را آشکار می‌سازد اینکه: از چه طریق لورکا با حافظ آشنا گشته و چرا در میان شعرای فارسی از او الهام گرفته است؟ تا چه اندازه و در چه زمینه یا زمینه‌هایی از او الهام گرفته است؟ آیا انطباق‌های به دست آمده در میان اشعار این دو شاعر تصادفی هستند؟ در خصوص اهمیت پژوهش تطبیقی این دو شاعر باید اذعان داشت که تطبیق سبک

و اندیشه ادبی این دو شاعر و زبان شاعرانه، خلاقیت و نوآوری که در اشعار هر دو شاعر به چشم می‌خورد، جنبه مهمی در ادبیات هر دو کشور داشته که از دستاوردهای آن می‌توان به گسترش تعاملات فرهنگی بین این دو کشور اشاره کرد؛ همچنین تأثیر ادبیات فارسی را بر ادبیات اسپانیا نشان می‌دهد. علی‌رغم اهمیت موضوع، در این خصوص پژوهش‌های بسیار اندک و سطحی انجام گرفته است و در هیچ یک از آن‌ها مستنداتی که حاکی از آشنایی لورکا با حافظ باشد بررسی نشده است، موردی که این مقاله سعی بر انجام آن دارد.

## ۲. چهارچوب نظری پژوهش

شعر تجلی هستی است، شیوه‌ای برای ارتباط و تصور جهان، کنش سیاسی و کنش قدرت. اگر زبان در جوهره وجودی خویش کارکردی شاعرانه دارد که به دنیا به مانند شبکه‌ای از نشانه‌ها و روابط می‌نگرد، بنابراین می‌توان گفت که جامعه بر مبنای شعر استوار است. جهان مجموعه اشیا نیست، بلکه مجموعه‌ای از نشانه‌ها و کلمات است. جهان استعاره‌ای است که از استعاره‌ی دیگر جان می‌گیرد و شکل زبانی می‌یابد. از این رو یکی از ابعاد شعر نشان دادن پشت امور است؛ به عبارتی نحوه دسترسی به واقعیت از طریق استعاره‌ها و نمادها می‌باشد که در این میان شعرا قسمت اعظمی از واقعیت‌ها را در قالب ادبیات جهان شکل می‌دهند. در این رهگذر گاه از هم تقلید می‌کنند و گاه از تأثیر و تأثر از یکدیگر دست به نوآوری می‌زنند.

از منظر فلسفه هنر، شعر حافظ و لورکا هنر زیباشناسی است که بر کلام شاعرانه و نوآورانه آن‌ها زمان گذر نکرده و با وجود فاصله‌ای که دیروز و امروز را از هم گسسته، خواننده امروز را با اشعار آن‌ها همزمان و همزمان کرده است. رازی در آثار این دو شاعر رمزآلود است که خواننده‌گان خود را با سلاقی و مرام‌ها و مسلک‌های گوناگون مسحور ساخته‌اند و هنر آنان را ماندگار کرده و باعث گشته‌اند تا کتاب‌ها و مقالات پژوهشی ارجمندی درباره آن‌ها نوشته شود.

اشعار شرقی در اواسط قرن نوزدهم از طریق ترجمه‌ها به اسپانیا راه یافت که برخی از آن ابیات در آثار شاعران اسپانیایی دهه‌های اول این قرن، تأثیر بسزایی داشت. تأثیر و بازتاب شعر شرقی در اشعار گارسیا لورکا، به ویژه در "دیوان تماریت" مشهود است. شناخت گارسیا لورکا از شاعران شرقی نیز در کنفرانس کانتو خوندو او بازتاب دارد،

جایی که او این نوع شعر عامه‌پسند با مضامینی همچون عشق لایزال و شراب را متأثر از شاعران شرقی، به‌ویژه حافظ می‌داند.

لورکا از زمانی که به‌واسطه گارسیا گومز<sup>۱</sup> و رافائل کانسینوس آسنس<sup>۲</sup> با اشعار شرقی آشنا شد و حافظ را کشف کرد، خودش را در حافظ یافت. او در غزلی تحت عنوان "Gacela del amor imprevisto" (غزل عشق غیرمنتظره) می‌گوید: "هیچ‌کس عطر ماگنولیای تاریک بطن ترا نمی‌فهمید ... هزاران اسب پارسی در پهنه‌ی ماه‌پیشانی تو می‌خوابیدند ...". این شاعر اسپانیایی از نوعی شعر شرقی الهام گرفته است که با توجه به ویژگی‌ها و درون‌مایه مردمی، آن را با شخصیت خود سازگار می‌بیند.

لورکا شاعری است آگاه از شرایط سیاسی-اجتماعی زمانه خویش و به‌مانند حافظ اشعارش آینه‌ای از اوضاع سیاسی-اجتماعی دوران اوست؛ می‌توان تصدیق کرد که شخصیت و نحوه نگرش این دو شاعر به جهان بر نحوه بیان و گستره کارشان تأثیر گذاشته است.

با بررسی تطبیقی اشعار حافظ و لورکا می‌توان حساسیتی که این دو شاعر در باره مسائل وجودی انسان و آزاد اندیشی دارند، درک کرد. بیشتر سروده‌های لورکا، به پیروی از اشعار حافظ، معیارهای بلاغی نابی هستند که با شگردهای شاعرانه و هنرمندانه در ساحت زبان و معنا رخ می‌نمایند و ادراک مخاطب را به لایه‌هایی فراتر از سطح نخستین بیان رهنمون می‌سازند. لورکا با تأثیرپذیری از حافظ از طریق "من" فردی به بعدی متکثر و حتی جهانی می‌رسد. او خوب می‌داند که افکار هوشمندانه حافظ موجب وصل شاعر به خواننده و به دنیا شده است، چرا که در نظر او ایده‌آل آن است که شاعر برای همه بخواند و نه فقط برای عده‌ای خاص. مضمون شعرهای لورکا به‌مانند حافظ متنوع است؛ برخی از این مضمون‌های برجسته در اشعار او برگرفته از اشعار حافظ می‌باشند.

عشق به حافظ کلمات را به ارمغان می‌آورد و از او شاعری عاشق می‌سازد و همین جادوی عشق، جاذبه‌ای را برای سرودن حدیث عشق در اشعار لورکا فراهم می‌آورد و این‌چنین در قلمرو عرفان موضوع تقابل عقل و عشق در اشعارشان شکل می‌گیرد، معشوق از راه می‌رسد و جدایی عاشق از معشوق شرایطی را به‌وجود می‌آورد که به آن حالت مرثیه می‌بخشد. لورکا با تأمل در ایهام اشعار حافظ گاه به‌مانند او چنان افکارش را

۱. Emilio García Gómez (1905 - 1995) زبان‌شناس، عرب‌شناس و مترجم اسپانیایی

۲. Rafael Cansinos Assens (1882-1964) نویسنده، شاعر، رمان‌نویس، مقاله‌نویس، منتقد ادبی و مترجم اسپانیایی

در هم می‌پیچاند که می‌تواند هر خواننده‌ای را به اشتباه اندازد، ولی با شناخت از اندیشه و سبک او می‌توان پرده‌های راز را تا حدی کنار زد و پیامش را دریافت کرد. موسیقی شعر در اشعار حافظ بسیار حائز اهمیت است. شعر از دو نوع موسیقی زاده می‌شود.

حافظ با بکارگیری موسیقی درونی و بیرونی شعر یعنی رعایت در وزن عروضی شعر و هماهنگی و نسبت ترکیبی کلمات و کشش هجاها و تکرار یک حرف در آخر بیت به صورت قافیه و یا طنین خاص حرفی در کنار حرف دیگر توانسته طنین دل‌انگیزی را به گوش خواننده برساند. اشعار لورکا از این قاعده مستثنی نیست، ولی به علت تفاوت ساختار زبانی که بین زبان فارسی و زبان اسپانیایی وجود دارد نمی‌توان همان آوای موسیقایی که به واسطه ایجاد هارمونی بین کلمات با استفاده از صامت و مصوت، واژه آرایی و بکارگیری دیگر آرایه‌های ادبی که در اشعار فارسی به‌ویژه در غزل به گوش می‌رسد، در زبان اسپانیایی شنید. لورکا نیز با هنرکلام شاعرانه خویش تا آنجایی که ساختار زبانی او اجازه داده است، اشعارش را به نحوی سروده که همان لذتی که یک فارسی‌زبان از خواندن اشعار حافظ احساس می‌کند، شعر او نیز برای مخاطب اسپانیایی بسیار دلنشین باشد.

موضوع عرفان، توصیف باغ‌ها، شکوفایی گل‌های سرخ و سنبل و لاله، ذکر نام اسب ایرانی، خم شراب و غم یار، بکار بردن استعاراتی چون ماه‌جبین، طره، گیسو و قدرت تصویرسازی و این زیبایی ناشی از هماهنگی در ابعاد صوری و محتوایی اثر ادبی او، همگی نشانه‌هایی از تأثیرپذیری او از حافظ است که خود او و برخی از دوستان وی این تأثیر را تأیید کرده‌اند.

در خصوص معیار انتخاب پیکره پژوهش نویسنده برای بررسی تطبیقی مضمون‌های مشابه بکار رفته در اشعار هر دو شاعر که با معنای یکسان استفاده شده است، در سه اثر از لورکا (دیوان تاماریت، قصیده کولی، کانتته خوندو) به جستجوی لغات و مضمون‌هایی پرداخته که در قالب استعارات و ایهام‌ها در دیوان حافظ نیز شاخص و مطرح می‌باشند.

### ۳. یافته‌های پژوهش

وجود حافظ در اسپانیا و تأثیر آن بر برخی از شعرای پر آوازه اسپانیا به‌مانند گارسیا لورکا نشان از تأثیر ادبیات کلاسیک فارسی در آن کشور می‌باشد.

یافته‌های پژوهش نشان می‌دهند که لورکا، حافظ را در میان ترجمه‌هایی که توسط مترجمین برجسته‌ای از شاعران شرقی در اسپانیا صورت گرفته بود، یافت و با خواندن غزلیات حافظ دلبستگی خاصی به ویژگی‌های زبانی، ادبی و فکری او پیدا کرد که تأثیر مستقیمی بر آثارش گذاشت. این دلبستگی باعث گردید تا لورکا به تبعیت از حافظ و غزلیات عاشقانه و عارفانه‌ی او اشعارش را در قالب غزل و قصیده و با رنگ و بوی شرقی بسراید و عنوان کتابش را دیوان بگذارد.

یافته‌های پژوهش همچنین نشان می‌دهند که وجوه مشابه فراوانی در نگرش و اندیشه‌های این دو شاعر به چشم می‌خورد. استفاده از نقل قول‌های مستقیم از خود لورکا و ادبایی که او را می‌شناختند نشان از شیفتگی لورکا به غزلیات حافظ و تأثیرپذیری او از اشعار او می‌باشد. با بررسی تطبیقی از نمونه‌ای از اشعار این دو شاعر پر راز و رمز دیده می‌شود که لورکا با دقت، ظرافت و مهارت شاعرانه و اندیشه فلسفی خود توانسته از مضامین، سبک و حتی ایدئولوژی فکری حافظ الهام گیرد. مطمئناً یکی از تعاریفی که می‌توان برای ارتباط بین اشعار عاشقانه و عرفانی حافظ و لورکا در نظر گرفت، در بررسی همخوانی عناصر بکار رفته بیشتر قابل دریافت می‌باشد تا ساختاری که این دو شاعر برای بنای شعرشان از آن استفاده کرده‌اند: معشوق و عاشق در میان عشقی افلاطونی.

#### ۴. حافظ شاعری برای تمامی اعصار

حافظ کیست؟ انسانی که ما را شگفت زده می‌کند. او شاعری است که اشعارش با وجود گذر زمان، نه تنها در ایران، بلکه در سایر کشورهای جهان در محافل ادبی و حتی گفتگوهای روزانه مورد استفاده قرار می‌گیرند، مطالعه و تفسیر می‌شوند و منبع الهام گسترده‌ای را برای خلق آثار شعرا و نویسندگان فراهم می‌آورند. این عالم و شاعر در حدود سال ۷۲۷ هجری قمری در شیراز متولد شد و بیشتر عمر خود را در زادگاهش گذراند. او با اثر خود به نام «دیوان» به شهرت جهانی رسید. این چیره‌دست‌ترین غزل‌سرای زبان فارسی مریدان بسیاری دارد که ابیات او را از حفظ می‌خوانند. از نظر اکثر افرادی که آثار حافظ را خوانده‌اند، او را جواهری از گنجینه‌ی شعر فارسی بشمار می‌آورند و به همین دلیل مقالات و کتاب‌های زیادی درباره حافظ و دیوان او به نگارش درآمده است. با گذشت بیش از ششصد سال از مرگ این شاعر بازتاب اشعار وی را می‌توان در سینما، ادبیات، معماری، نقاشی، موسیقی و هنرهای نمایشی مشاهده کرد. زندگی‌نامه حافظ گاه با افسانه



ترکیب گشته؛ افسانه‌های رایجی حکایت از عشق این شاعر به زن جوانی به نام شاخ نبات را دارد؛ چه این داستان‌ها حقیقت داشته باشند و چه نداشته باشند، شاعر در قسمت‌هایی از اشعار خویش بی‌قراریش را از غیبت یاری ابراز می‌دارد (صوفی ۲۶).

ویژگی اثر جادوی اشعار «دیوان» قدرت کلام این شاعر را نشان می‌دهد که عشق الهی و انسانی در آن نهفته است. ساختار اشعار «دیوان» به گونه‌ای است که نه تنها علاقه و همدلی اهل ادب را به خود جلب می‌کند، بلکه در میان مردم عادی نیز بسیار محبوب می‌باشد. نماد و نشان مهم‌ترین وجه شعر حافظ است و به گونه‌ای طراحی شده‌اند که بدون درک نمادهای حافظ، شناخت شعر او دشوار می‌نماید.

### ۵. گذری به زندگی فدریکو گارسیا لورکا

فدریکو گارسیا لورکا شاعر و نویسندهٔ پرآوازه اسپانیایی در ۵ ژوئن ۱۸۹۸ میلادی در بحبوحهٔ جنگ امریکا علیه اسپانیا در قلب اندلس در شهر کوچکی در ناحیه بگا به نام فونته باکه تروس<sup>۱</sup> چشم به جهان گشود و در سال ۱۹۳۶ میلادی در ۲۸ سالگی به دست پارتیزان‌های ملی در جنگ داخلی اسپانیا کشته شد.

لورکا دانشگاه را با رشتهٔ فلسفه و حقوق شروع کرد و سپس به موسیقی پرداخت، اما همه آن‌ها را ناتمام رها کرد و بعد از آن به ادبیات روی آورد، حاصل این تجارب، او را لورکای شاعر، نمایشنامه‌نویس، موسیقیدان و نقاش بلند آوازهٔ اسپانیا گردانید. لورکا در دوران دیکتاتوری و جنگ داخلی اسپانیا می‌زیست و به دست همان گروه هم کشته شد. اگرچه هرگز به‌طور فعال اهل سیاست نبود و در هیچ تظاهراتی شرکت نکرد، اما دموکراسی و آزادی بخشی از آرمان‌های او بشمار می‌آمدند. در آن زمان، لورکا اسپانیا را به علت نادانی و تعصباتی که آن را فراگرفته بود، برهوتی می‌دید که در آن اندیشه‌های بزرگ رو به فنا هستند. او در نوشته‌هایش از رمانتیسم، سمبولیسم، دعاها و آیین‌ها و موسیقی و حتی زندگی کولیان الهام گرفته و تمامی آن‌ها را در چارچوب رئالیسم قرار داده است. وی می‌کوشید تا «از زبده و عصارهٔ رویدادها به‌عنوان درون‌مایه آثارش بهره گیرد» (قره‌باغی ۱۹۳).

نمایشنامه‌های لورکا جزء مهم‌ترین نوشته‌های قرن بیستم اسپانیا محسوب می‌شوند. هنر نمایشنامه‌نویسی و شاعری این امکان را به لورکا داده است تا با بهره‌گرفتن از این دو

۱. Fuente Vaqueros: یک دهستان در اسپانیا است که در استان گرانادا واقع شده‌است.

هنر، شعرش به‌مانند نمایشنامه‌ای باشد و نمایشنامه‌اش در روح شعر تجلی یابد. مفهوم تثاثر وی تأکیدی است بر شهادتی تکیه زده بر این هنر؛ هر نمایش ادامه نمایشی خواهد بود، همگام با دوره و زمان خویش که همواره احساسات، رویارویی‌ها و درام‌های زمانه را در بردارد (لورکا ۱۷۸).

انتشار آثار فدريكو گارسیا لورکا جذابیت قابل‌توجهی برای خوانندگان با سلیق گوناگون را فراهم آورده است. او شاعری است که با وجود اینکه بیش از گذشت هشتاد سال از چاپ اولین اثرش و بیش از گذشت هفتاد سال از مرگش، آثارش هر روز بیش‌ازپیش تجدید چاپ می‌شوند، و هر بار علاقه‌مندان بیشتری را برای خواندن آثارش فرامی‌خواند. گارسیا لورکا احتمالاً پرخواننده‌ترین شاعر اسپانیایی در طول این قرن است، اگرچه ممکن است به دلیل پیچیدگی محتوای نمادین بخشی از آثارش شناخته‌شده‌ترین نباشد.

او در ایران نیز خوانندگان زیادی دارد، به همین دلیل بسیاری از آثار او به فارسی ترجمه شده‌اند که از جمله آن‌ها می‌توان به کتاب «گلچین‌های شاعرانه» اشاره کرد. نمایشنامه‌های او نیز شهره بین‌المللی دارند و به فارسی ترجمه و بارها بر روی صحنه رفته‌اند.

محبوبیت لورکا در ایران هم از نظر هنر شاعرانه او و هم از نظر موضوع اشعار وی مورد توجه قرار گرفته است. احمد شاملو، شاعر و مترجم بزرگ معاصر ایران توجه ویژه‌ای به آثار لورکا داشت و چندین نمایشنامه و اشعار این شاعر اسپانیایی را ترجمه کرده است.

## ۶. چگونگی آشنایی لورکا با حافظ

زبان ساده، غنایی و پرشور حافظ به برکت ترجمه‌های اشعارش تأثیر زیادی بر آثار چندین شاعر اسپانیایی گذاشته است. اگر بخواهیم درباره تأثیر حافظ بر شاعران اسپانیایی صحبت کنیم، مطمئناً باید نام فدريكو گارسیا لورکا را ذکر کنیم. ادبیات عرب و فارسی، به‌ویژه زبان شاعرانه حافظ و خیام، شاعرگراندایی را شیفته خود کرده بود. هرچا صحبت از تأثیر و بازتاب شعر شرقی در اشعار گارسیا لورکا به میان می‌آید، تقریباً همیشه نام امیلیو گارسیا گومز به چشم می‌خورد، کسی که با ترجمه اشعار عربی نقش به‌سزایی در تأثیر شعر عربی و به‌نوعی همچنین تأثیر شعر فارسی بر نسل

۲۷ اسپانیا داشته است که لورکا یکی از شعرای تأثیرپذیر این نسل می‌باشد. علاوه بر ترجمه‌های گارسیا گومز که نقش کلیدی به‌عنوان منبع الهامات و تأثیرات لورکا برای خلق آثارش داشت، نام کنت نوروینیا<sup>۱</sup> کسی که آثارش نمونه‌ای از انواع زیبایی‌شناسی ادبی است، نیز در این مهم خوش می‌درخشد. او یکی از اولین کسانی بود که نسخه‌هایی از آثار حافظ را در آغاز قرن نوزدهم در اسپانیا منتشر کرد.

اگرچه خود گارسیا گومز مطمئن بود که ترجمه‌های او بر اشعار لورکا تأثیر گذاشته است و بارها این موضوع را تأیید کرده بود که در این مورد می‌توان به‌عنوان مثال از کتاب «سیا دل مورو»<sup>۲</sup> این مترجم نام برد، ولی لورکا همیشه آن را انکار می‌کرد.

گارسیا گومز، همچنین در مقدمه کتاب پرچم‌های قهرمانان ابن سعید مغربی<sup>۳</sup>، اظهار می‌دارد: «... و من عقیده دارم که لورکا از طریق برخی از ترجمه‌های اشعار من به این اشکال شعری قصیده و غزل در ایده «دیوان تماریت» دست‌یافته است (گارسیا گومز ۱۹۷۸:۲۰)

لورکا به دلایل شخصی، نفوذ تأثیرات و کشف اشعار شرقی توسط ترجمه‌های گارسیا گومز را رد می‌کند، اما به‌روشنی تأثیرات برگرفته از «اشعار آسیایی»<sup>۴</sup> نوشته کنت نوروینیا که بخشی از آن ترجمه‌ی دیوان حافظ می‌باشد را بیان می‌دارد. لازم به ذکر است که خود گارسیا گومز تأیید می‌کند که لورکا از طریق نوشته‌های او با کتاب «اشعار آسیایی» کنت نوروینیا آشنا شد.

آنچه در ابتدا در مورد تأثیر حافظ بر لورکا مورد توجه است، استفاده این شاعر اسپانیایی از قالب شعری قصیده و غزل است. گرچه گارسیا گومز ادعا می‌کند که این نوع از شعر به لطف او وارد اشعار لورکا شده‌اند، اما برخی از محققین بر این عقیده‌اند که آشنایی لورکا با دیوان حافظ و الهامات درونی و بیرونی که از این شاعر فارسی‌زبان دریافت کرد منجر به آفرینش اشعاری در قالب‌های شعر کلاسیک فارسی شد.

در واقع، بسیاری از شاعرانی که لورکا را می‌شناختند به تأثیرپذیری او از ترجمه شعرهای عربی و فارسی اشاره کرده و نیز بازتاب چنین الهاماتی را در برخی از آثار او

1. El conde de Noroña (1815-1760) نمایشنامه، دیپلمات، سرباز، دیوان معروف به کنت نوروینیا، سرباز، دیپلمات، نمایشنامه‌نویس و شاعر اسپانیایی

2. Silla del Moro

3. Las banderas de los campeones de Ibn Sa' id al-Magribi

4. las Poesías asiáticas puestas en verso castellano 1833 (پاریس،)

به تأیید رسانده بودند. در این مورد می‌توان از آثارش «کانتته خوندو» که نام دیگر آن «آواز سبک فلامنکو» و معنای تحت‌اللفظی آن «آواز ژرف» است<sup>۱</sup> و «دیوان تماریت»<sup>۲</sup> نام برد که حال و هوای شرقی دارد.

لوئیس سرنودا<sup>۳</sup>، شاعر سرشناس و منتقد ادبی اسپانیایی و دوست فدريكو گارسیا لورکا، بارها به تأثیرپذیری لورکا از شاعران خطه عرب و فارس مانند حافظ اشاره کرده بود؛ سرنودا در مقاله‌ای که در سال ۱۹۳۱ با عنوان «فدريكو گارسیا لورکا»، در مجله El Heraldo de Madrid منتشر کرده است، در مورد تأثیرات لورکا چنین می‌گوید:

مدتی پیش، با مرور گلچینی از شعرای عرب و اندلس، که توسط گارسیا گومز انتخاب و ترجمه شده بود، ارتباطی را بین این سبک شعری و سبک فدريكو گارسیا لورکا یافتیم. هنگام خواندن حافظ، خیام، و هر شاعر شرقی دیگری یکم‌وبیش شناخته شده، و در برخی از عبارات قرآن پیشایندهایی وجود دارند که همیشه برای درک بهتر باید به آنها رجوع کرد. نه به‌عنوان یک هنرمند، بلکه به‌عنوان یک انسان در این خصوص باید بگویم که مضامین، سبک، دغدغه‌های بین شعر شرقی و شعر فدريكو گارسیا لورکا مشترک است (سرنودا ۱۶۵).

رافائل آلبرتی<sup>۴</sup> دوست دیگر لورکا و همچنین شاعر نسل ۲۷، می‌داند که او *Poemas arabigo-andaluces* اثر گارسیا گومز را خوانده است، و این چنین یقین داشت که اشعار او الهام گرفته از شعرانی به‌مانند حافظ می‌باشد. در مصاحبه‌ای که در سال ۲۰۰۰ انجام داد، اظهار داشت: «گارسیا گومز تأثیر زیادی بر شعر گارسیا لورکا و به‌ویژه بر من داشت. لورکا هرگز به آن اشاره نکرده است، اما من از طریق خود لورکا به این موضوع واقف هستم» (والی ۱۸).

ماریو ارناندز، که دیوان تماریت را به‌طور مفصل مطالعه کرده است، اثری از موضوعات شرقی را در آن پیدا می‌کند

بر اساس شهادت فرانسیسکو گارسیا لورکا، برادر لورکا، طرح خلق این اثر احتمالاً ریشه در خواندن قبل از سال ۱۹۲۲ دارد، یعنی ریشه در غزلیات به نام «غزال‌های فوق‌العاده زیبا و عاشقانه حافظ» که به گفته او آن را در میان کتابی از کنت نرونیا کشف کرده

1. cante jondo (1931)

2. Diván del Tamarit (1940)

3. Luis Cernuda (1963-1902) ۲۷ از اعضای نسل ۲۷ و منتقد ادبی برجسته اسپانیایی

4. Rafael Alberti (1999-1902)

است که لورکا خود در این در این باره می‌گوید: «خواندن این اشعار آسیایی برای من بسیار لذت‌بخش و شیرین بود» (ارناندز ۳).

اندرسون معتقد است که لورکا به طرق مختلف تحت‌تأثیر اشعار شرقی قرار گرفته است که در این مورد از ترجمه اشعار آسیایی توسط نورونیا و اشعار عربی ترجمه گارسیا گومز به‌عنوان مهم‌ترین آن‌ها یاد می‌کند: به هر ترتیب به گفته آندرسن بی‌شک دو منبع اصلی وجود داشته که لورکا توسط آن‌ها توانست با اشعار حافظ آشنا شود که اولین منبع کتاب «اشعار آسیایی» ترجمه گاسپار ماریا د نوا، کنت نورونیا بود. (اندرسون ۱۶)

به دلیل تأثیر پویای عرفان، بینش زیبایی‌شناختی و اخلاقی در آثار لورکا نمایان می‌شود؛ این شاعر از نمادهای عرفانی نشأت گرفته از شاعران سنت‌های مختلف، به‌ویژه مسیحی و اسلامی استفاده کرده است. لورکا در مناسبت‌های مختلف به عرفان مسیحی اشاره می‌کند و هنگامی که در مورد عرفان اسلامی سخن به میان می‌آورد شعر غنایی و عرفانی حافظ در نظرش مجسم می‌شود.

در صفحه ۲۵۴ کتاب «از هر دو شیب: فرهنگ بین سنت و مدرنیته»<sup>۱</sup>، نام حافظ دیده می‌شود، جایی که خوان حوزه لانز<sup>۲</sup> نویسنده مقاله «بین آهنگ و نوشتار: پست و بلند شعر»<sup>۳</sup> کلماتی را که لورکا در سخنرانی‌اش در سال ۱۹۲۲ بیان کرده بود این‌چنین نقل می‌کند: «در این کنفرانس، لورکای شاعر وقتی درباره اشعارش صحبت می‌کند، از حافظ به‌عنوان منبع الهام خود برای خلق برخی از اشعار خود از دیوان تماریت می‌گوید. او همچنین علاقه‌مند است تا بر قرابت بسیاری از اشعار که در کانتو خون‌دو بکار رفته با قدیمی‌ترین سروده‌های شرقی تأکید کند، مانند غزال‌های عاشقانه حافظ که سال‌ها بعد پایه برخی از سروده‌های دیوان تماریت قرار گرفت.»

در مورد شعر حافظ، میگل گارسیا پوسادا<sup>۴</sup> در نسخه شعر گارسیا لورکا، سخنان وی را در کنفرانسی به‌خاطر می‌آورد، شاعر گرانادایی وقتی در باره کتاب شعرش، «کانتو خون‌دو» صحبت می‌کرد، نام حافظ شاعر پارسی‌زبان را ذکر می‌کند، شخصیتی

1. Desde ambas laderas. Culturas entre la tradición y la modernidad.

2. Juan José Lanz

3. Entre el canto y la escritura: lo popular y lo culto en la poesía

4. Miguel García-Posada Huelva (Sevilla, 1944-Madrid 2012) و نویسنده منتقد ادبی و زبان‌شناس، اسپانیایی

که می‌توان اشعارش و حتی ویژگی و جهت‌گیری جریان شعریش را از الهاماتی که از حافظ گرفته است، دانست.

خود لورکا در مورد اشعار حافظ این‌گونه نظر دارد:

«در اشعار فوق‌العاده زیبا و عاشقانه حافظ، شاعری از دیار فارس که از شراب، زنان زیبا، سنگ‌های اسرارآمیز و شب آبی بی‌پایان شیراز می‌سراید، قرابت مشهود است و انطباق‌ها تصادفی نیستند» (لورکا ۲۲۳).

#### ۷. تشابه نمادها در اشعار لورکا و اشعار حافظ

گارسیا لورکا در پربارترین دوره ادبیات قرن بیستم، زمان بین جنگ‌ها، نقش‌آفرینی کرد و به نسل ۲۷ تعلق داشت، نسلی که به سبک ترکیبی کلاسیک و آوانگارد معروف بودند. لورکا به‌مانند حافظ بادقت و ظرافت خاصی که از خوش طبعی هنرمندانه آن‌ها برمی‌خیزد، به‌خوبی با کلمات بازی کرده و واژه‌ها را به‌گونه‌ای بکار برده که خواننده را وارد دنیایی پر از ابهام می‌کند و حس کنجکاوی او را بر می‌انگیزد و او را وادار می‌سازد تا در مواقعی خودش حدس بزند. او همچنین به‌مانند حافظ از کلمات به‌صورت نمادین استفاده می‌کند، به قولی به تعبیر مولانا که می‌گوید: «هرکسی از ظن خود شد یار من»، خواننده با گمان خویش معنایی اشعار را درک می‌کند؛ به عبارتی گاهی بین معنی ظاهری شعر و معنی واقعی آن تمایز وجود دارد.

مضامین اصلی و تقریباً سواس‌گونه اشعار لورکا همانند اشعار حافظ، در اثر «کانتته خوندو»، عشق، میل و اشتیاق است. این دو شاعر بر وفق ذوق و سلیقه‌شان نسبت به عناصر سنتی، مکرراً از نمادهایی در شعر خود استفاده کرده‌اند. از جمله عناصری که در آثار این دو شاعر یافت می‌شود می‌توان به «آتش، خاک، آب‌وهوا»، چهار عنصر اساسی زندگی اشاره کرد. اما علاوه بر این چهار عنصر، چندین نماد مشابه دیگر تکرار می‌شوند که از جمله آن‌ها می‌توان به‌طور مثال به عنصر «ماه» که در اشعار هر دو شاعر با معنایی متفاوتی نقش‌آفرینی می‌کند، اشاره نمود (آرگون ۱۹۹۵).

گستره نمادهای این شاعر گرانادایی به‌مانند نمادهای بکار رفته در اشعار حافظ جنبه‌های فردی و اجتماعی، فکری و فلسفی، عاشقانه و عاطفی را در بر می‌گیرند. نمادهای اجتماعی او بیشتر نمادپردازی مرگ و زوال است در این خصوص می‌توان به نماد «ماه» اشاره کرد. اگرچه ظاهرشدن ماه در اشعار لورکا اغلب نماد مرگ و نیستی است، ولیکن

با الهام از اشعار حافظ این نماد معانی دیگری نیز کسب می‌کند: گاهی اوقات به‌عنوان تعبیری از خود ماه ظاهر می‌شود؛ گاهی به‌عنوان نماد زندگی و یا به‌عنوان استعاره‌ای در نظر گرفته می‌شود و گاهی به زیبایی زن اشاره دارد، موضوعی برجسته که در اشعار حافظ بسیار مشهود است.

در این رابطه برخی از نویسندگان بر این باورند که عنصر ماه برای لورکا طعم مرگ را دارد، اما برخی دیگر معتقدند که این عنصر نمادی از زیبایی و کمال است. پیوند ماه با آیین‌های مذهبی و اسطوره‌ها از اهمیت فراوانی برخوردار است. این دو شاعر به عنصر ماه بیشتر به‌مثابه نماد نگریسته‌اند تا اسطوره. در «قصیده کولی» و یا «غزل‌خوان کولی»<sup>۱</sup>، لورکا به‌وفور از نمادها استفاده می‌کند و نماد ماه بسیار مکرر رخ می‌دهد. از همین تکرارها می‌توان نتیجه گرفت که نماد ماه برای این شاعر از اهمیت خاصی برخوردار است، همان‌گونه که در دیوان حافظ تجلی‌یافته است. آلن ژوزف و خوان کابایرو<sup>۲</sup> با مطالعه‌ای که در اثر «قصیده کولی» فدريكو گارسيا لورکا انجام داده‌اند نتیجه گرفته‌اند که ماه در تمامی اشعار لورکا معنی فانی دارد (ژوزف و کابایرو ۱۱۲). آن‌ها همچنین اشاره می‌کنند که «ماه» رایج‌ترین عنصر در تمام آثار لورکا است که دویست و هجده بار ظاهر شده است (همان ۲۲۴).

در همین رابطه مانوئل آنتونیو آرانگو<sup>۳</sup>، نویسنده کتاب نماد و معناشناسی نمادها در اثر لورکا<sup>۴</sup>، زبان شاعر را با در نظر گرفتن اهمیت اجتماعی فرهنگی تحلیل می‌کند. او همچنین به این نکته اشاره دارد که: «در دوره باروک، از نسل ۹۸ تا نسل ۲۷، نمادسازی مرگ فراوان است. لورکا، به‌عنوان یکی از اعضای نسل ۲۷، اشارات زیادی به موضوع مرگ کرده است. (آرانگو ۱۲۵) و اما در مورد نماد ماه می‌گوید: «ماه در کار لورکا معنایی چندگانه را در بر می‌گیرد» (همان ۲۱).

با در نظر گرفتن وفور عنصر ماه در آثار لورکا، با ۲۱۸ بار بسامد، لورکا نمی‌تواند به گفته ژوزف و کابایرو فقط به مقوله مرگ و نیستی پرداخته باشد، باید معنای متنوعی داشته باشد همان‌گونه که آرانگو می‌گوید. به‌طور مثال لورکا در «قصیده کولی» از عنصر ماه برای توصیف زیبایی‌های زنانه استفاده می‌کند.

1. Romancero Gitano
2. Allen Josephs y Juan Caballero
3. Manuel Antonio Arango.
4. Símbolo y simbología en la obra de Federico García Lorca

y vio en la luna los pechos  
durísimos de su hermana. (Romancero gitano)

و برای حافظ این‌گونه زن در ماه تجلی می‌یابد:

ای که برمه کشی از عنبر سارا چوگان      مضطرب حال مگردان من سرگردان را  
ای که بر ماه از خط مشکین نقاب انداختی      لطف کردی سایه‌ای بر آفتاب انداختی

و لورکا با عنصر ماه و بار دیگر تشبیهی از زن:

La luna vino a la fragua  
con su polisión de nardo

ماه به باغ اندر شد، با دامن پف‌دار گل‌دار نرگش

در اینجا کلمه «ماه» و «گل نرگس» اشاره به زیبایی زنانه دارد. در بیتى از «قصیده کولی» کلمه ماه دو بار در یک بیت ظاهر می‌شود، اما با معنایی متفاوت؛ بار اول به‌گونه‌ای از بالا در آسمان ظاهر می‌شود مانند خود ماه، و بار دیگر ماه را به اندام زنانه خواهرش تشبیه می‌کند:

Amnón estaba mirando  
la luna redonda y baja,  
y vio en la luna los pechos  
durísimos de su hermana.

«موی» از مضامینی است که در ادبیات غنایی کاربرد فراوان دارد. از این عنصر مطرح در اشعار معاصر برای توصیف زیبایی ظاهر معشوق زمینی استفاده می‌شود و در اشعار کلاسیک گاهی در وصف معشوق زمینی و گاهی در معانی عرفانی به‌کاررفته است. لورکا در غزلیاتش همانند حافظ، چندین وسواس غنایی دارد. یکی دیگر از عناصر مشابهی که در «کانتته خوندو» لورکا و «دیوان» حافظ توجه خواننده را جلب می‌کند اشارات مکرر به موی معشوق می‌باشد.

بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که لورکا توجه خاصی به برخی از نمادهای ظریفی که



حافظ در آثار خود دارد، نشان داده است. بر اساس الهام عاشقانه شاعر فارسی، لورکا از این عنصر استفاده می‌کند و می‌گوید:

Aunque ella no me amara  
El orbe de la tierra  
trocara por un solo  
cabello de su crencha. (Cante jondo)

و یا در جای دیگری می‌گوید:

con la negra fuente de tus cabellos.  
Cabellos que van al mar

و حافظ می‌گوید:

تا سر زلف تو در دست نسیم افتادست      دل سودازده از غصه دونیم افتادست

به‌طور معمول آنچه در غزل اتفاق می‌افتد که در بیان حالت‌های عشق و وصال و فراق و امید و حرمان و شوق و یأس است در غزلیات لورکا به‌مانند حافظ نیز ملموس است؛ در این رابطه موضوع عشق که در ابتدا در اشعار لورکا به‌مانند حافظ ظاهر می‌شود به‌مثابه نیرویی جهانی نشان داده می‌شود. وقتی لورکا می‌خواهد احساسات عاشقانه خود را بیان کند یا وقتی می‌خواهد درد از دست دادن معشوقش را ابراز کند، این احساس را با همان عبارات حافظ بروز می‌دهد:

Lloro sin cesar tu ausencia.  
Mas, ¿de qué sirve mi anhelar continuo  
si a tus oídos el viento rehúsa  
Llevar mis suspiros?  
Es lo mismo que:  
Yo doy suspiros al aire.

بی‌وقفه در فراق می‌گیریم

اما، به چه کار آید آرزوی مدام مرا

گر به گوشت نرساند باد، آه مرا

و زمانی که می‌گوید:

Ay pobrecitos de mí  
Y no los recoge nadie.

وای بر من که هیچ‌کس بیچارگی‌هایم را در نمی‌یابد

و حافظ این‌چنین سوز عشق خود را می‌سراید:

درد عشق ار چه دل از خلق نهران می‌دارد حافظ این دیده‌گریان تو بی‌چیزی نیست

لورکا برای توصیف عمیق احساس حزن و اندوه در دوری از معشوق خویش، به قطرات خون اشاره می‌کند و احساسات خود را چنین ابراز می‌دارد:

Cada vez que miro el sitio  
Donde te he solido hablar  
Comienzan mis pobres ojos  
Gotas de sangre a llorar.

هر دم به جایگاه همیشگی همنشینیم با تو می‌نگرم خون می‌چکد از سراچه چشمان نزارم

شاعر شیرازی غم خود را این‌گونه می‌سراید:

ز خون که رفت شب دوش از سراچه چشم شدیم در نظر رهروان خواب خجل

لورکا و حافظ در شعر خود از مفاهیم و مضامین مختلف صحبت می‌کنند؛ جلوه‌های عشق در غزل حافظ موضوع بسیار گسترده‌ای در دیوان می‌باشد و این مضمون در اشعار لورکا نیز بسیار ملموس است. اگرچه حافظ در سراسر دیوان خود سرود عشق و مستی را می‌سراید، اما با رندی تمام حقیقت حال خود را چنان پنهان می‌کند گویی هر خواننده از ظن خودش یار شاعر می‌شود که گاه این عشق و مستی را مجازی می‌پندارد و عارفانه و گاه واقعی می‌داند و زمینی و عاقلان را در این دایره عشق سرگردان می‌بیند؛ در اشعار لورکا نیز اینچنین قاعده‌ای احساس می‌شود.

## ۸. بحث و نتیجه‌گیری

اشعار موزن و آهنگین کلاسیک پارسی با قدمتی بیش از ۱۱۰۰ سال تأثیرات بسزایی در آثار شعرا و نویسندگان غربی داشته است. ترجمه‌های اشعار حافظ و گره‌خوردگی عاطفه آسمانی و زمینی با اشعارش مبنایی برای آشنایی بسیاری از شعرا و ادبای غربی با این شاعر شرقی شد.

اسپانیا از این قاعده مستثنی نماند، لورکا به واسطه مترجمان زبردست که عاشق ادبیات و عرفان شرقی به خصوص فارسی بودند با این شاعر پر راز و رمز آشنا گشت و از او تأثیرات بسزایی دریافت کرد، به حدی که دیوانی را خلق کرد که به گفته خودش با الهام از دیوان حافظ این نام را برای اثر خود برگزید. با تطبیق برخی از اشعار لورکا با حافظ درمی‌یابیم که بعضی از مضامینی که حافظ در اشعار خود به کرات بکار برده در اشعار لورکا نیز نفوذ کرده و خواسته و یا نخواستہ حال و هوای شرقی به شعرش داده است.

شعر این دو شاعر به زمان خاصی محدود نمی‌شود. با مقایسه اشعار لورکا به خصوص اشعار اثر «کونته خوندو» و «قصیده کولی» با اشعار دیوان حافظ می‌توان مضامین مشابه بکار رفته در هر دو اثر را استخراج کرد؛ در دیوان این دو شاعر که اصطلاحات و معانی سخت و دشوار فراوان بکار رفته‌اند، عرفانی را می‌توان جستجو کرد که برای آشکار شدن و درک این مفاهیم در ابتدا بایستی به اندیشه‌های عمیقشان دست‌یافت. استعاره‌های زیادی نیز در اشعار آن‌ها وجود دارد، به دلیل ایهام و بازی با کلمات، به روشنی می‌توان پدیده پیچیدگی زبان را در لابه‌لای پوسته آوایی شعر آنان حس نمود.

عشق موضوع اصلی شعر حافظ است، آنچه در اشعار لورکا نیز کاملاً مشهود می‌باشد. موضوع عرفان و سرودن از عشق، حضور عاشق و معشوق، وصل و هجران از تأثیراتی است که لورکا از حافظ دریافت داشته است. دغدغه‌ها و دل‌مشغولی‌های روزانه حافظ در اشعار لورکا با موضوعاتی چون اندیشیدن به مرگ و ناکامی انسان؛ جبر و اختیار و لذت‌جویی تجلی‌یافته است.

## **Hafez's Influence on Federico Garcia Lorca**

Soudabeh Bashizadeh <sup>1</sup>

### **Abstract**

**Introduction:** The subject of this article is Hafez's influence on Federico Garcia Lorca, one of the greatest Spanish poets. This research first introduces the reader to Lorca's intellectual framework and literary style in brief by introducing these two poets and shows how he became acquainted with Hafez through translations of Divan in Spain. In another part of the article, to prove Lorca's influence, quotes from the poet himself and his close friends are mentioned; and finally, by comparing examples of the poems of these two poets, the extent of Lorca's influence on Hafez is evaluated. Lorca's influence on Hafez is not only through the use of themes, literary arrays, and skill in extraordinarily subtle and sometimes invisible word games, but it is also evident in his frame of mind. Studies in this article show that the Spanish poet was inspired by Hafez to create his "Divan of Tamarit", used the elements of "Hafez's Divan" and named his book Divan after him.

**Background Studies :**In the West, Goethe's interest and admiration for Hafez prompted him to write his Divan called "West-Eastern Divan" Perhaps one of the ways in which Garcia Lorca became acquainted with Hafez is through this source.

Although, the world got to know Hafez's poems after the seventeenth century, his poems arrived in Spain later than in other European countries. There, too, through indirect translations, he had a significant impact on some of the poets of Spain.

**Method and Discussion:** Poetry as a literary genre is an aesthetic experience and needs to be interpreted. Persian poetry is known as rich literature

---

1. Assistant Professor, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran

that has rhythm and music. When dealing with classical poetry, the subject becomes more complex. Hafiz's work essentially represents music that is related to beauty, an aesthetic that seeks to move away from the ordinary and requires great attention.

In this article, through the influence of one of the greatest poets of Spain, Persian literature in Spain is studied. Many types of research have been done on Hafez and Lorca's poems so far, but yet no documents indicate Lorca's acquaintance with Hafez.

Undoubtedly, Lorca became acquainted with Hafez through translations of Divan made by some famous Spanish writer or translator and thus was able to discover common thoughts and feelings between Hafez and himself; that is why it is possible to compare the poems of this Spanish poet with the poems of Hafez and look for commonalities in terms of themes and aesthetics.

**Conclusion** :By comparing some of Lorca's poems with Hafez's, we find that some of the themes that Hafez used in his poems have also infiltrated Lorca's poems and, willingly or unwillingly, have given an oriental mood to his poetry.

By comparing Lorca's poems, especially the poems of Poem of the Deep Song and Gypsy Ballads with the poems of Hafez's divan, the same themes used in both works can be extracted; In the divan of these two Eastern and Western poets, where many difficult and difficult terms and meanings have been used, mysticism can be sought that to reveal and understand these concepts, one must first reach the deep thoughts of the poet. There are many metaphors in their poems, in other words, these two poets have played with so many words that the phenomenon of language complexity can be felt in their poetry.

**Keywords:** Hafez, Garcia Lorca, Hafez's Divan, Divan of Tamarit, Influence

## References

- Esmailpour, Akbar. Background of acquaintance and mutual effects of Iran and Spain. Tehran: Journal of World Studies, No. 24 and 25, 2005.
- Anderson, Andrew. Diwan Tamarit, Lament for Ignacio Sanchez Mejias. Madrid: Spasa-Calpe, 1987.
- Arango, Manuel Antonio. Lorca's symbols and semiotics in the main books of Federico García Lorca. Madrid: Fundamentos, 1994.
- Joseph, Caballero. Federico Garcia Lorca: Poetry by Conte Khondo, Ode to Gypsy, Madrid: Cathedra, 1976.
- Sernoda, Louis. Federico Garcia Lorca. Madrid: Eraldo, 1930.
- Sotlo Vazquez, Maria Luisa. From both slopes. Cultures between tradition and modernity, Barcelona: University of Barcelona, 2014.
- Sufi, Leila. Biography of Iranian poets. Tehran: Jajarmi, 1998.
- Fal Debe, Carlos. Lorca, Tragedy and Myth. Ottawa: Dohaas, 1988.
- Ghareh Baghi, Ali Asghar. Federico Garcia Lorca. Tehran: Ebtarkarno, 2003.
- Garcia Gomez, Emilio. The book of flags by Ibn Saeed Maghrib. Barcelona: Six Baral, 1977.
- Garcia Lorca, Federico. Diwan Tamarit, Buenos Aires: Losada, 1939.
- Garcia Lorca, Federico. Poem of Cante Jondo. Madrid: Ulysses, 1930.
- Garcia Lorca, Federico. Prose, Miguel Garcia Posada. Madrid: Akal, 1993.
- Vali, Naim, interview with Rafael Alberti. Al-Hayat newspaper, No. 13566, 1999.
- Hernandez, Mario. Arab footprints in Diwan Tamarit. Madrid: Insola 370 (5-3), 1976.